

فیلم‌های بزرگتر و جذاب‌تری ساخته شود. خوشبختانه در این سال‌ها تمام فیلم‌های من با استقبال مخاطب مواجه شده و به سود دهی رسیده‌اند. اگران اصلی فیلم ستاره‌بازی نیز با توجه به زبان فیلم در آمریکا و کانادا خواهد بود.

### امیر حسین همتی (کارگردان سینمایی ستون ۱۴): امروزه سینما و مخاطب، مصداق مرغ و تخم مرغ است

از سیاست‌گذاری فیلم‌ها در ایران به هیچ عنوان راضی نیستیم؛ این مسئله خیلی به گفته بنده هم ربطی ندارد و هر کس می‌تواند ببیند که سانس‌هایی که به فیلم ستون ۱۴ اختصاص یافته بسیار کم هستند، همینطور سالن‌ها هم به همین شکل، مثلاً در سالن سینمای چهارسو یک سانس ساعت ۴ بعد از ظهر به فیلم اختصاص یافته که نمی‌دانم چه کسی ساعت ۴ بعد از ظهر به دیدن فیلم خواهد رفت؟ اینکه خود فیلم مخاطب ندارد و یا به خاطر سانس و زمانبندی بدی که برایش در نظر گرفته شده زمین می‌خورد، مشخص نیست، چرا که مصداق آن کاملاً شبیه به مثل مرغ و تخم مرغ است. یعنی معلوم نیست که چون بیننده نداریم سانس‌مان کم است و یا چون سانس کم است بیننده نداریم؟ حداقل باید به همه فیلم‌های غیر کم‌دانی عادلانه سانس ایران اختصاص داده شود و تنها با این پیش‌زمینه می‌توان درباره فیلم حرف زد. با این وجود تشکر می‌کنم از تمام مسئولین و سینماداران‌های عزیز که به ایران فیلم کمک کردند.

### محمود بابایی (تهیه‌کننده سینمایی بعد از رفتن) با خطر تک‌ژانری شدن روبرو هستیم

اگر به طور کلی بخواهیم بررسی کنیم، باید قبول کنیم که وضعیت ایران در این دوره اصلاً وضعیت خوبی نیست و تقریباً همه فیلم‌های غیر کم‌دانی در شرایط فعلی در فروش با مشکل مواجه هستند. با این وضعیت ایران فیلم‌های روی پرده در ژانر غیر کم‌دانی جای گلايه و خرده گرفتن به فیلم نیست. یکی از دلایل می‌تواند، تعطیلی‌های مناسبتی و... باشد که در روند ایران وقفه ایجاد می‌کند. البته که ما پیش‌تر از وقفه‌های این دوره زمانی آگاه بودیم، اما با تحلیل تجربه‌ای که داشتیم امیدوار بودیم که در ماه محرم و صفر که ایام عزاداری است سانس‌های فیلم‌های کم‌دانی به سانس سینمای غیر کم‌دانی اضافه شود و فیلم امکانات بهتری را برای پخش پیدا کند. نه به این معنا که فیلم کم‌دانی نباشد، بهتر است بلکه وجود هر ژانر در سید فرهنگی و هنری سینما ضروری است. ولی کاش اتفاق نظام مندتری در جریان بود تا تعادل در سانس دادن و سانس گرفتن رعایت شود. البته که باید حق سینماداری که می‌خواهد چراغ سینمایش با استقبال مخاطب روشن باشد حفظ شود، اما نه به این معنی که یک فیلم کم‌دانی به تنهایی بیاید و تمام سانس‌های سینمای اجتماعی را بگیرد! و برای سینمای اجتماعی سانس‌هایی مثل ساعت ۱۴ در نظر گرفته شود که استقبال کم مخاطب را به همراه دارد. در حال حاضر باید چیدمانی در ایران لحاظ شود که هم از فیلم‌سوزی جلوگیری شود و هم انگیزه فیلمسازان ژانرهای غیر کم‌دانی سست نشود. در شرایطی هستیم که نیاز است همه دست به دست هم دهند تا سینمای اجتماعی که مهم‌ترین شاخه از سینمای بدنه است، بتواند قوت خود را حفظ کند و ادامه دهد. برای این مهم نیاز به سیاستگذاری داریم که بتواند تعادل از دست رفته را به سینما برای حفظ سینما برگرداند. سال گذشته فیلم بدون قرار قبلی را حدوداً در همین دوره ایران کردیم، با همان تجربه و تحلیل امسال هم در همین ایام فیلم را ایران کردیم اما گویا امسال سینما دیگر رونق سال گذشته را نداشت و به طور کلی ذائقه مخاطب با توجه به شرایط دچار تحول شده است. علاوه بر این علیرغم سال گذشته که در ایام ما بین اربعین و ۲۸ صفر، فیلم‌های کم‌دانی اجازه ایران نداشتند، امسال تصمیمات دیگری اتخاذ شد و فیلم‌های کم‌دانی در این ایام هم ایران می‌شوند. اما آنچه که بیشتر از همه چیز مهم است، تغییر ذائقه مخاطب است که به سمت سینمای کم‌دانی و تک‌ژانری شدن گرایش پیدا کرده، که این خود بزرگترین خطر برای ایران و سینماست. رفع این مسئله در گروهی آسیب به سینمادار و یا حذف سینمای کم‌دانی نیست. بلکه نیاز به فرهنگ‌سازی و ذائقه‌سازی دارد. سازندگان فیلم با ساخت فیلم خوب می‌توانند در جهت دهی به این مسیر موثر باشند. تا دیگر شاهد سینمای تک‌ژانری در ایران نباشیم. این جانبداری از این حیث نیست که چون در حال حاضر فیلم اجتماعی روی پرده داریم، از آن حمایت می‌کنیم، چه بسا ممکن است فیلم بعدی من کم‌دانی باشد یا نباشد. من مسیر درست سینما را به عنوان تهیه‌کننده و سینمادار در گروه این مهم می‌دانم که سینما باید سید ژانری خود در تنوع محصولات را حفظ کرده و پیش برود و از خطر تک‌ژانری شدن بهراسد. من در ایران‌های سینمایی خود در سالن همواره این مسئله را مورد توجه قرار داده و رعایت کرده‌ام.



زمانبندی و تعداد هفته و همه و همه در جا افتادن فیلم و مخاطب پیدا کردن تاثیر دارند. اما همه می‌دانیم که از طرفی تعداد زیادی فیلم در پشت صحنه ایران هستند و با این وضع سیاست‌گذاری بسیار پیچیده‌تر خواهد شد. حدود ۲۰۰ فیلم در صفحه ایران هستند و از این میزان تنها ۷ الی ۸ فیلم در هر فصل می‌توانند به ایران برسند. با این وضعیت مسلماً اتخاذ سیاست‌گذاری و تصمیم درست بسیار سخت است.

### ها تف علیمردانی (کارگردان سینمایی ستاره بازی): سینمای اجتماعی به شدت مهجور است

سینمای اجتماعی به شدت مهجور شده و این قضیه بسیار غم‌انگیز است. البته این‌ها خیلی به مشکلات تخصیص سانس بر نمی‌گردد، این مردم هستند که باید از فیلم‌های اجتماعی حمایت بیشتری داشته باشند. به نظر می‌رسد تغییر ذائقه‌ای در مخاطب سینما شکل گرفته است. اما باید در نظر گرفت که سینمای اجتماعی نبض سینمای ایران است. به نظر من سیاست‌های ایران کاملاً به جنس فیلم بستگی دارد و هیچ سینماداری راضی نمی‌شود سالن سینما خالی بماند. وقتی یک فیلم نمی‌فروشد نباید انتظار داشته باشد که سالن‌دار به قراردادش موظف باشد، نه تنها در ایران که در هیچ جای دنیا اینگونه نیست. فیلم بدون مخاطب در رقابت حذف می‌شود. منصفانه مافیا و... ندارم، تمام سیاست‌ها بر اساس مخاطب طراحی و چیده می‌شود و به خود فیلم و باز خورد مردم نسبت به فیلم برمی‌گردد. در حال حاضر ذائقه ایرانی‌ها با توجه به شرایط و نسل‌بندی‌های مختلف تغییر کرده است، علاقه نسل جوان امروز به سینمای استاندارد جهانی زیاد شده است و ما به عنوان فیلمسازان اجتماعی باید سعی کنیم این فاصله و شکاف را پر کنیم تا فیلم‌هایمان مخاطب بیشتری پیدا کنند. بحث ریزش مخاطب سینما در تمام جهان اتفاق افتاده است و سیاست‌گذاری را می‌طلبد که تغییر رویه‌ای را بر اساس ذائقه مخاطبان انجام دهد. به طور کلی دوره ساخت فیلم‌های آپارتمانی و لوباجت تمام شده است، سلیقه مردم در فیلم دیدن بالاتر رفته و باید

هم ضعیف عمل می‌کنند و گویا کارشان بلافاصله بعد از اینکه فیلم را تحویل پخش‌کننده دادند، با فیلم تمام می‌شود! اگر امروز شاهدیم که فیلم من می‌فروشد به این خاطر است که فیلمم را رها نکردم، نه مافیا وجود دارد و نه چیز دیگری... پخش‌کننده هم هیچ تبلیغی برای فیلم من انجام نداده و تبلیغات فیلم را خودم عهده‌دار هستم. من در ایران سینمایی، هم فیلم پر فروش دارم و هم فیلم کم فروش. اما همان فیلم کم فروش (نارگیل) اگر تبلیغاتی روی آن انجام نمی‌دادم در حال حاضر به ردیف سوم نمی‌رسید. به این ترتیب خارج از حواشی، من پشت هر دو فیلم خود ایستاده و از هر دو فیلم چه پر فروش و چه کم فروش حمایت می‌کنم. همین باعث شده که فیلم نارگیل به عنوان یک فیلم کودک (به غیر از انیمیشن‌ها) در دهه اخیر پر فروش‌ترین فیلم کودک باشد. همچنین برخی احساس می‌کنند که باید فیلم فسیل از روی پرده ایران پایین بیاید تا فیلم آنها فروش کند، در صورتی که کاملاً در اشتباه هستند زیرا که در دهه اول محرم که فیلم‌های کم‌دانی ایران نداشتند، فیلم‌های دیگر بافت در فروش خودشان مواجه شدند. این مسئله گواه این جریان است که اتفاقاً فیلم‌های کم‌دانی مردم را به سینما می‌آورند و سرریز این استقبال مخاطب، به فروش فیلم‌های دیگر کمک می‌کند. خوشبختانه در حال حاضر با پیش‌سایت سمفا می‌توان ارزیابی بهتر و کارشناسی دقیق‌تری روی مسئله فروش فیلم‌ها داشت. شاید در این وضعیت، ایران فیلمی مانند برادران لیلا می‌توانست به فروش سینمای اجتماعی کمک بکند که آن اتفاق هم متأسفانه نیفتاد.

### سید مرتضی فاطمی (کارگردان سینمایی بی‌مادر) وضعیت ایران فیلم‌ها، خوب نیست

به طور کلی وضعیت ایران فیلم‌ها، وضعیت خوبی نیست. با اینکه فیلم بی‌مادر در این ۳ الی ۴ هفته ایران پر فروش‌ترین فیلم در ژانر اجتماعی شده است، اما با این حال میزان استقبال مردم از سینمای غیر کم‌دانی استقبال خوبی نیست. بخشی از این مسائل می‌تواند مرتبط با سیاست‌های ایران باشد. قاعدتاً سیاست‌ها در فروش فیلم تاثیر دارند.